

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال چهاردهم، شماره ۵۳، پاییز ۱۴۰۰
صفحات: ۲۱-۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۵/۳۰
مقاله: پژوهشی

چالش های گفتمانی اصلاح طلبان با غیر در جمهوری اسلامی ایران ۹۶-۱۳۹۲

اکرم بای* / بابک نادرپور**

چکیده

گفتمان ها با هدف کسب قدرت در جامعه به وجود می آیند و برای مطرح شدن در جامعه نیاز به حداقلی از فضای اشتراک دارند. برای تحقق این هدف، وارد رقابت گفتمانی با غیر می شوند. هرگاه گفتمانی اقدام به تخریب و واسازی نشانه های گفتمانی رقیب کند و ساختارهای ایدئولوژیک آن را به چالش بکشد، از دایره خودی طرد و به دایره دیگری رانده می شود. در پژوهش حاضر چالش های گفتمانی دو نیروی سیاسی مطرح ایران، اصولگرا و اصلاح طلب در ۹۶-۱۳۹۲ به عنوان کنشگران گفتمان ساز، بررسی شد. به جهت مناسبت موضوع و نیز قابلیت فوق العاده گفتمان ارنستولاکلا و شانتال موفه در تبیین پدیده های سیاسی-اجتماعی، این نظریه به عنوان چارچوب نظری انتخاب شده است. نتایج داده ها بیانگر آن است که گفتمان غیر اصلاح طلبی، گفتمان اصولگرا است که با استفاده از استراتژی برجسته سازی و حاشیه رانی به طرح عناصری در حوزه های مختلف سیاسی پرداخته و به چالش های گفتمانی را شدت بخشیده و این را با هدف ساختارشکنی و بی قراری رقیب در آستانه انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری انجام داده است، که نهایتاً با هژمونی گفتمان اصلاح طلبی-اعتدالی در ۱۳۹۶ شکست معنایی این گفتمان توسط رقیب بی نتیجه ماند.

کلمات کلیدی: گفتمان؛ قدرت؛ اصولگرا؛ اصلاح طلب؛ برجسته سازی و حاشیه رانی.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Akrambay911@gmail.com

** استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).

Nader1642@yahoo.com

۱. بیان مسأله

درک هر گفتمان^۱ به شکل درست و واقع بینانه معطوف به شناخت روندها و تغییر و تحولات گذشته در کنار مطالعه وضعیت حال آن گفتمان است چرا که گذشته به نوعی بستر ساز مسایل کنونی است. بنابراین می توان با مطالعه اجمالی روندهای رخ داده در گفتمان های اصولگرا و اصلاح طلب به فاصله زمانی ۹۲-۱۳۹۶، حداقل زمینه سازی بهتری برای توضیح وضعیت فعلی آن ها فراهم کرد. و از آنجایی که گفتمان مفهومی است که زبان را با سیاست پیوند می زند تنازع قدرت بین این دو گفتمان موضوعی است که در این تحقیق به روش تحلیل گفتمان ارنستولاکلا و شانتال موفه^۲ مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این گزینش به جهت مزایایی است که برای این رویکرد برشمرده شده است. از جمله قابلیت تبیین ساختار درونی یک اندیشه، قابلیت توضیح چگونگی جذب مفاهیم جدید در یک گفتمان و تغییر و تطبیق آن ها در مفصل بندی جدید، توضیح رقابت و غیریت سازی بین گفتمان ها در وضعیت سیاسی- اجتماعی جامعه، توضیح تحول اجتماعی گفتمان ها و فرایند افول گفتمان های مسلط و شرایط غلبه گفتمان های جدید. لذا در پژوهش حاضر سعی دارد به این سوال پاسخ دهد که طرح چه عناصری از سوی گفتمان اصولگرا در ۹۶-۱۳۹۲ در آستانه انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری موجب شدت در چالش های گفتمانی با گفتمان رقیب (اصلاح طلبی) شده است؟ و با مفروض؛ طرح عناصری از حوزه های مختلف سیاسی از سوی گفتمان اصولگرایی در رقابت با گفتمان اصلاح طلبی (گفتمان هژمون)، چالش های دو گفتمان را شدت بخشید. شایان ذکر است که این نیروهای سیاسی هستند که فضای فکری و ایدئولوژیکی جامعه را با ابزارهای سیاسی که دارند تحت تأثیر قرار می دهند، بنابراین با بررسی این نیروهای سیاسی می توان تحولات گفتمانی را شناخت. شرایط اخیر و کنونی در جامعه ایران و نیز تحولات صورت گرفته در بطن جامعه و نقش و تأثیر رقابت ها و چالش های گفتمانی، نقش گفتمان ها را در ساختار قدرت حائز اهمیت می کند. چرا که این گفتمان ها توان رهبری و هدایت جامعه، در راستای گفتمانی خود را دارند.

1. Chantal Mouffe & Ernesto laclau

۲. تبیین نظریه گفتمان

از نخستین باری که واژه گفتمان در سال ۱۹۵۲ به وسیله زلیک هریس زبان شناس انگلیسی به کار برده شد، تاکنون از این واژه تعاریف فراوانی بیان شده است. به طور کلی واژه گفتمان از واژه فرانسوی «Discourse» و لاتین «Discourses» به معنی گفتگو، محاوره و گفتار گرفته شده است. گفتمان در گستره مفهومی خود به ویژه در بیان غیر فنی، صرفاً به مفهوم صحبت، مکالمه یا گفتگو می باشد. که گاه به طور تلویحی بیانگر نوعی هدف آموزشی و تعلیمی نیز است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰). اما در معنای اصطلاحی، گفتمان رویکردی ساختاری به متن است که امکان اتصال متن به جنبه های جامعه شناختی را فراهم می کند (هنری و آزرمی، ۱۳۹۲: ۹۷). به لحاظ هستی شناسی، گفتمان ها به این مطلب اشاره دارند که حقایق بیرونی وجود ندارد و تنها از طریق گفتمان است که این حقایق بازنمایی می شود. در این بازنمایی، زبان، حقیقت را ایجاد می کند و تغییر می دهد. بنابراین جهان اجتماعی محصول گفتمان ها است و کنش انسان را نیز متناسب با این حقیقت تولید می کند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

ویژگی منحصر به فرد تحلیل گفتمانی به قول میشل فوکو، آن است که ماهیت امور مورد بررسی از پیش تعیین نمی شود، بلکه توأم با همان صورت بندی گفتمانی پا به عرصه حیات می گذارد که امکان صحبت درباره آن ها را فراهم آورده اند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶). بدین ترتیب، تحلیل گفتمانی با اجتناب از پیش داوری مانند ساختارگرایی و نفی نگرش تک بعدی همچون اراده گرایی، می کوشد با ایجاد رابطه متقابل میان متن و زمینه^۱ به فهمی روشن و کامل تر از واقعیت دست یابد. این نظریه اگرچه به هر نوع کلیت و تمامیت از سر تردید می نگرد، اما عناصر مجزا را صرفاً در روابطشان با یکدیگر به تحلیل می کشاند (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۵).

نظریه ارنستو لاکلا و شانتال موفه ریشه در دو سنت نظری ساختگرا یعنی مارکسیسم و زبان شناسی سوسوری دارد. مارکسیسم مبنای اندیشه اجتماعی این نظریه را فراهم می آورد و زبان شناسی ساختارگرایی سوسور، نظریه معنایی مورد نیاز این دیدگاه پساساختارگرایانه را. نظریه این دو اندیشمند سیاسی از قابلیت فوق العاده در تبیین پدیده های سیاسی و اجتماعی برخوردار است. در واقع گفتمان، پیکره نظام مندی است که از مفصل بندی عناصر و مفاهیم

مرتبط حاصل می شود و مجموعه ای از واژگان را در بر می گیرد که به گونه ای معنادار با هم مرتبط اند. به عبارت دیگر «گفتمان ها، مفصل بندی مجموعه ای منسجم از افراد، مفاهیم و واژگان هستند که حول یک دال برتر قرار گرفته، به زندگی انسان معنا می بخشند.» (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴). گفتمان ها از طریق برجسته سازی و حاشیه رانی نظام معانی، شیوه ای برای حفظ و استمرار قدرت دارند. بدین طریق، قدرت هم به تولید معنا می پردازد و هم با به کارگیری ابزارهای انضباط و انقیاد، رقیب و غیر را حذف و طرد می کند. گفتمان ها با برجسته سازی و حاشیه رانی عناصر قوت خود را برجسته و عناصر ضعف را به حاشیه می رانند و یا پنهان می کنند و بالعکس (عناصر قوت غیر یا رقیب را به حاشیه رانده و عناصر ضعف او را برجسته می سازند) و بسته به شرایط و امکاناتی که در اختیار دارند، از شیوه های مختلفی برای برجسته سازی و حاشیه رانی بهره می گیرند مانند جنبش های اجتماعی، تظاهرات خیابانی، اعتصابات، ترور شخصیت ها، سازوکارهای اقتصادی و قانونی، نیروی انتظامی، رسانه های جمعی و ...

مفاهیم مطرح در این خوانش گفتمانی عبارتند از: مفصل بندی، عناصر، لحظه، انسداد و توقف، دال مرکزی، دال شناور، حوزه گفتمانی، امکان و تصادف، منازعه و خصومت، قابلیت دسترسی، زنجیره هم ارزی، هویت، موقعیت سوژگی، هژمونی، ازجاشدگی و بی قراری، اسطوره و برجسته سازی و حاشیه رانی. که به اجمال برخی مفاهیم بیان می شود:

- «مفصل بندی»^۱: هر عملی که میان عناصر پراکنده در درون یک گفتمان ارتباط برقرار کند به نحوی که هویت این عناصر اصلاح و تعدیل شود، مفصل بندی نامیده می شود (سلطانی، ۱۳۹۷: ۷۳).

۱. «دال مرکزی»^۲ یک علامت ممتاز است که حول آن سایر علائم مرتب می شوند در واقع سایر علائم معنایشان را از رابطه با نقطه گره ای حاصل می کنند (Jorgensen, Philips, 2002: 43).

۲. «دال های شناور» هویت شان را در مجموعه ای از معانی که تحت پوشش دال مرکزی هستند به دست می آورند این نقطه با هماهنگ ساختن معانی عناصر به لحاظ تاریخی میدان گفتمانی را سازمان می بخشد (سعید، ۱۳۷۹: ۵۳). در تعریفی دیگر عناصر شناور عبارتند از

1. Articulation
2. Nodal Point

علائمی که معانی شان هنوز تثبیت نشده اند، علائمی که دارای معنای چند گانه و بالقوه ای هستند (یعنی آن ها پرمعنا هستند) (Jorgensen, Philips, 2002:28).

۳. «حوزه گفتمان گونگی»^۱: هرنشانه ممکن است چندین معنا داشته باشد. هر گفتمان به طور طبیعی یکی از آن معانی را بر حسب همخوانی با نظام معانی خود تثبیت و مابقی را طرد می نماید. لاکلا و موفه معانی احتمالی نشانه ها را که از گفتمان طرد شده اند، «حوزه گفتمان گونگی» می نامند (Laclau & Mouffe, 1985:111).

۴. «بی قراری»^۲: در نظریه لاکلا و موفه بی قراری از یک سو با تضعیف هژمونی گفتمان مسلط، امکان پیدایش سوژه های رقیب و مفصل بندی های جدید را فراهم می سازد و از سوی دیگر، گفتمان حاکم را ترغیب می نماید تا خود را بازسازی کرده، از تزلزل معانی و بی قراری دال ها جلوگیری نماید (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۲۷).

۵. «ضدیت» و «غیریت»^۳: گفتمان ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می گیرند. همان گونه که لاکلا و موفه به درستی استدلال می کنند؛ درست به همان نحو که هویت و تفاوت لازم و ملزوم یکدیگرند (مارش، استوکر، ۱۳۸۴: ۲۰۲). هویت یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان های دیگر امکان پذیر است. گاه در برابر یک گفتمان، غیرهای متعدد وجود دارد که آن گفتمان از آن ها در شرایط گوناگون و برای کسب هویت های مختلف استفاده می نماید (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). از سویی گفتمان های غیر به حاشیه رانده شده، دائماً در تلاش اند تا معنایی جدید از «وقته»^۴ها (دال های تثبیت شده) ارائه کنند و ثبات موقت معنایی را که گفتمان مسلط ایجاد کرده است، برهم بزنند. بنابراین دال ها همواره در معرض «بی قراری معنایی» و «شناور شدن» هستند. اگر ثبات معنایی دال های یک گفتمان از میان برود، ثبات آن گفتمان از میان خواهد رفت و دچار بی قراری و بحران هویت خواهد شد. چنانچه گفتمانهای طرد شده موفق به این کار شوند، هژمونی گفتمان حاکم از میان می رود و زمینه برای تسلط گفتمان های رقیب فراهم می گردد. بنابراین نظریه لاکلا و موفه، همه هویت ها به وسیله یک اصل مشترک یعنی تقابل میان درون و بیرون شکل می گیرند. هویت فردی (هویت

1. Field of Discursivity
2. Dislocation
3. Antagonism and Otherness
4. Moment

سوژه) هویت جمعی یا تشکیل گروه و در نهایت هویت یک گفتمان، وابسته به همان اصل مشترک است (کسرایبی، شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۸).

۶. «زنجیره هم ارزی»^۱: گفتمان‌ها پیوسته در تلاش اند تا تفاوت‌های موجود را پنهان کنند و جامعه را یک دست نشان دهند. این کار به وسیله ایجاد یک «زنجیره هم ارزی» انجام می‌شود. زنجیره هم ارزی بدین معناست که در فرایند مفصل بندی، نشانه‌های اصلی در یک زنجیره معنایی با نشانه‌های دیگر ترکیب می‌شوند و در مقابل یک غیر که به نظر می‌رسد آن‌ها را تهدید می‌کند، قرار می‌گیرند (De-Vos, 2003: 165).

۷. «برجسته سازی و حاشیه رانی»^۲: گفتمان‌ها به واسطه فرایندهای برجسته سازی سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته سازی کرده و با به حاشیه راندن کاستی‌های شان، خلاها و ضعف‌های شان را بپوشانند. همچنین در فرایندی وارونه، نقاط قوت و برتری رقبا را به حاشیه برانند و نقاط ضعف آن‌ها را برجسته سازند. بنابراین، مکانیسم‌های برجسته سازی و حاشیه رانی، شیوه‌ای برای تقویت خود و به حاشیه راندن دیگری است. گفتمان‌ها با بهره‌گیری از همین دو شیوه است که با معنادهی خاص به نشانه‌ها و اجماع سازی، می‌توانند مدلول خاصی را به دال مرکزی بچسبانند و آن را هژمونیک کنند و تلاش می‌کنند تا با طرد و شالوده شکنی دال مرکزی گفتمان رقیب، هژمونی‌اش را بشکنند (رحیمی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۳۵).

۸. «ساختار شکنی»^۳: از جمله مفاهیم دیگر این نظریه است که معنای آن ذیل مفهوم هژمونی قابل فهم می‌نماید. هژمونی باعث نزدیکی یک دال به مدلولی خاص و در نتیجه، ثبات (موقت) معنای آن نشانه و تبدیل دال شناور به «وقته» می‌شود. اما هدف از ساختار شکنی، از میان بردن این ثبات معنا و شکستن هژمونی گفتمان رقیب است. چرا که شکستن ثبات معنایی یک گفتمان، در نهایت به از میان رفتن هژمونی آن گفتمان منجر خواهد شد (پورسعید، ۱۳۸۳: ۷۲۵).

۹. «قدرت»^۴: قدرت در نظریه لاکلا و موفه بسیار شبیه به مفهوم قدرت نزد فوکو است. قدرت چیزی نیست که در دست بعضی‌ها هست و در دست بعضی نیست، قدرت چیزی است که جامعه و سوژه‌ها را تولید می‌کند. قدرت تمامی ابعاد زندگی ما را اعم از فردی و اجتماعی فرا

1. Contingency
2. Exclusion and Foregrounding
3. Deconstruction
4. Power

گرفته است. در منازعات سیاسی آن گفتمانی پیروز می گردد که به ابزارهای قدرت بیشتر دسترسی داشته باشد. نورمن فرکلاف برای توضیح این مطلب از «قدرت پشت گفتمان» استفاده کرده است (Fairclough, 2003: 46-53).

۱۰. «قابلیت اعتبار»^۱: یعنی سازگاری اصول پیشنهادی گفتمان با اصول بنیادین جامعه است. همواره در تمام جوامع اصول عامی وجود دارد که مورد پذیرش اکثریت هستند. به عنوان نمونه مذهب در ایران همواره یک اصل عام و معیار اعتبار بوده و گفتمان هایی که ضدیت با مذهب را در پیش گرفته اند، اعتبار خود را از دست داده و از جانب مردم طرد شده اند (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۳۸).

۳. گفتمان های سیاسی در ایران

پس از پیروزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ مسائل اعتقادی، اقتصادی و سیاسی فراوانی وجود داشت که می توانست میان نیروهای سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی فاصله و شکاف ایجاد کند، ولی به خاطر وجود فضای ناآرام و التهاب در اوایل انقلاب، این اختلافات فقط در میان سه جریان عمده چپ گرا، ملی گرا و اسلام گرا نمایان بود. از اوایل دهه ۱۳۶۱ با پیدایش ثبات داخلی و حذف دو جریان چپ و ملی گرا از عرصه سیاسی کشور، به تدریج مرزبندی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی میان نیروهای اسلام گرا نیز ظهور کرد و با تأیید بنیانگذار انقلاب اسلامی، این جناح ها در مقام گروه هایی که در اهداف انقلاب مشترک و در سلیقه ها با یکدیگر متفاوت اند، رسماً به رقابت سیاسی با هم برخاستند. دوگانگی سیاسی جریان اسلام گرا تا هم اکنون نیز ادامه داشته و با عناوین، مشخصه ها، سلیقه ها، راهبردها، و نگرش های متفاوت و متضاد در صحنه کشور دیده شده است. بخشی از درگیری ها و نزاع های سیاسی یک قرن اخیر بین احزاب و جناح های مختلف سیاسی بر سرواژه ها و اصطلاحات تعریف نشده و نامفهوم بوده است. که یکی از این واژه ها مفاهیم چپ و راست است و همچنین واژه های هم ردیف آن، مثل چپ روی و راست روی. راست (اصولگرا) و چپ سنتی (اصلاح طلب)، پس از انشعاب در حزب جمهوری اسلامی شکل گرفت. که رویکردشان نسبت به دین، اقتصاد، سیاست خارجی و ارزش های انقلابی تا حدودی متفاوت بود.

۳-۱. گفتمان اصلاح طلبی

اصلاح طلبی^۱ جریانی سیاسی است که دگرگونی جامعه را از طریق انجام اصلاحات و نه انقلاب تبلیغ می کند. پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، گفتمان اصلاح طلبی در ایران ظهور کرد. سیاست های اصلاح طلبانه در دو حوزه داخلی (در قالب ایجاد جامعه مدنی) و خارجی (در بستر تنش زدایی و همکاری های مسالمت آمیز) پس از یک دوره تردید و احتیاط برای مخاطبان خارجی، دور جدیدی را در روابط با کشورهای جهان و بالاخص کشورهای مسلمان خاورمیانه و حوزه خلیج فارس مشخص کرد. این گفتمان بعد از مشارکت گسترده مردم و انتخاب سید محمد خاتمی به عنوان رئیس جمهور ایجاد شد و در باب مفاهیمی چون جامعه مدنی، دموکراسی دینی، آزادی بیان، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و تثبیت قانون اساسی سیاست های جدیدی مد نظر قرار داد و براساس ادعای اصلاح طلبان این مفاهیم در طول سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حاشیه قرار گرفته بودند و احتیاج به بازاندیشی داشتند (حاضری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۳). اصلاح طلبان براساس مشارکت گسترده مردم در انتخابات معتقد به توسعه فرهنگی و سیاسی و انجام اصلاحات مختلف سیاسی، اجتماعی در این مرحله جدید از بلوغ سیاسی کشور بودند و اعتقاد داشتند بنا به تجربه دوم خرداد باید فضای سیاسی و اجتماعی کشور و فرایند تجمیع تقاضاهای مردم در قالب جدید و پایداری مانند جوامع مدنی و از جمله احزاب، سازماندهی و نهادینه شود (رضایی و نظری، ۱۳۹۴: ۲۰۲). به طور کلی گفتمان اصلاحات با اتخاذ رویکردی اصلاحی و انتقادی مطالب و شعارهای خود را به صورت مسالمت آمیز، قانونی و با حفظ تعهد به نظام و انقلاب اسلامی دنبال کرد. بر این اساس درصدد تحقق ظرفیت های قانون اساسی به منظور تحقق هم زمان دو بنیاد اساسی انقلاب اسلامی یعنی اسلامیت و جمهوریت بود. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۰).

۳-۲. گفتمان اصولگرایی

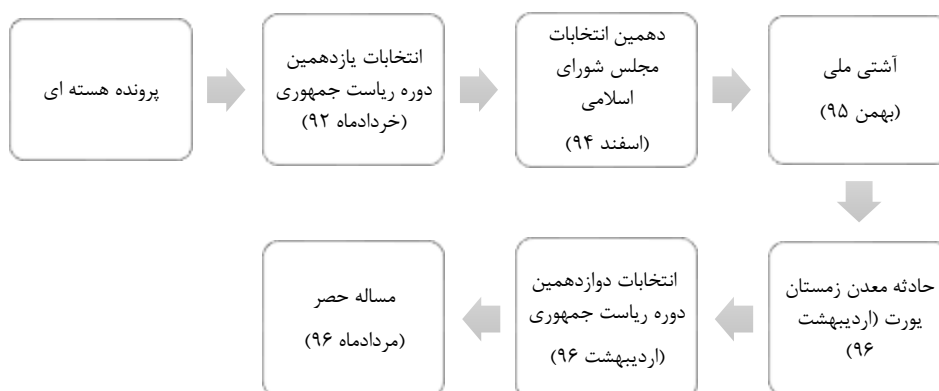
پس از انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و انتخاب محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری ایران گفتمان اصولگرایی عدالت محور در ایران شکل گرفت. در گفتمان اصولگرایی، مرزهای عقیدتی جایگزین مرزهای جغرافیایی می شود و مکتب گرایی جای ملت گرایی را می گیرد و عنصر هویت سازی که «خود» و «دیگری» را تعریف می کند، اندیشه دینی اسلامی

است. به طور کلی گفتمان سیاسی دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد با دغدغه های فرهنگی و مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی کار خود را شروع کرد و عدالت گستری را به عنوان محوری ترین و ابتدائی ترین اصل دولت خود معرفی کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۱۹۷). این گفتمان به احیای سنت ها بر پایه نص و اسلام شیعی دال هایی چون فقرزدایی، توسعه اقتصادی، تهاجم فرهنگی، عدالت و ولایت را حول دال مرکزی خدمت رسانی مفصل بندی کرده است (سلطانی، ۱۳۹۷، ۲۴۵).

۴. چالش های گفتمانی با گفتمان غیر

هر چه خصومت گفتمان حاکم با گفتمان رقیبش بیشتر شود آن گفتمان برجسته و قوی تر می شود. با قوی تر شدن گفتمان رقیب گفتمان حاکم مجبور به نشان دادن خصومت بیشتری می شود و این روند شاید در نهایت به هژمونیک شدن گفتمان رقیب و فروپاشی گفتمان حاکم بی انجامد. رد پای چنین فرایندی را می توان در چالش های دو گفتمان اصولگرا و اصلاح طلب با برجسته سازی و حاشیه رانی عناصری از ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ مشاهده نمود. جهت تشریح عناصر چالش برانگیز دو گفتمان مطرح، از متون رسانه ای منتسب به هر گفتمان (اصلاح طلب: شرق، عصر ایران، پارسینه و اصولگرا: روزنامه کیهان، تسنیم نیوز، افکار نیوز، مشرق نیوز، جوان آنلاین و...) به عنوان شاهد مثال استفاده شده است.

سیر چالش های گفتمان اصلاح طلب با گفتمان غیر



۴-۱. پرونده هسته ای

از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ برخلاف گفتمان اصلاح طلبی که به دنبال حاشیه ای کردن مساله هسته ای بود، گفتمان اصولگرا درصدد برجسته سازی آن برآمد، چرا که آن را نقطه ضعفی در گفتمان رقیب قلمداد می کرد. همچنین فعالیت های هسته ای می توانست برای اصولگرایان نمادی از پیشرفت و توسعه اقتصادی در داخل و عدالت طلبی و استکبارستیزی در سیاست خارجی باشد. افزایش تحریم های بین المللی و مشکلات اقتصادی ناشی از آن موجب شد گفتمان رقیب اصولگرایی، انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ را فرصت مناسبی برای به حاشیه راندن گفتمان هسته ای اصولگرایان قلمداد کنند.

گفتمان اصولگرا که تا حدودی مخالف مذاکرات هسته ای و توافق هسته ای است، در جای جای متون خود به مواردی در تاریخ کشورهای دیگر اشاره می کند که هر جا با آمریکا مذاکره و توافق شد، در نهایت چیزی جز شکست و سرخوردگی به بار نیاورد، به عنوان مثال روزنامه کیهان در یکی از مقاله هایش با عنوان «ورق خوردن تاریخ با سیب زمینی سرخ کرده» (۳۰) تیرماه کیهان (۱۳۹۴) به ارتباط بین توافق هسته ای و بازگشایی رستوران «مک دونالد» در ایران

پرداخته و اشاره به مواردی از این دست در کشورهایی مثل چین و شوروی سابق می کند که با بازگشایی شعبه مک دونالد در این کشورها چه بر سر مردم آن ها آمد و آن وارد شدن فرهنگ غربی به این کشورها بود و از این طریق به خواننده القاء می کند که چنین سرنوشتی منتظر ما نیز خواهد بود.

در حالی که روزنامه اصلاح طلب در دفاع از گفتمانش و رد سخنان گفتمان رقیب در روزنامه «شرق» سعی داشت جلوه ای مثبت از برجام را به نمایش بگذارد و در مواردی نیز دوران تحریم را به صورت منفی به تصویر کشانده است. به عنوان مثال در جمله «روز اجرای برجام روز تاریخی است... تحریم هایی که عوارض مخرب زیادی برای ایرانیان داشته است و بازهم تاریخی چون دیپلماسی حرفه ای و گفت و گو بر درگیری و رنجش پیروز شده است.» (شرق، ۲۷ دی ماه) صفت منفی «مخرب» را به تحریم ها نسبت می دهد و از برجام به عنوان روز تاریخی و دیپلماسی حرفه ای یاد می کند و صفات منفی «در دیگری و رنجش» را در گفتمان اصولگرا قرار می دهد. از طرفی نویسنده با کاربرد این صفات به همراه قیود تشدید باعث افزایش بار ایدئولوژیک متن می شود و سعی می کند به تخریب وجهه گفتمان رقیب بپردازد. لذا با وجود اینکه توافق هسته ای برجام جزو دست آوردهای گفتمان اصلاح طلبان به حساب می آید گفتمان اصولگرا با برجسته سازی نقاط ضعف رقیب در عدم اجرای دقیق توافقنامه (برجام) سعی در کم اهمیت جلوه دادن دست آوردهای این توافقنامه طبق نظریه لاکلا و موفه یعنی «ساختارشکنی و شکستن ثبات معنایی رقیب» داشت.

۲-۴. انتخابات یازدهم و دوازدهمین دوره ریاست جمهوری

در آستانه دوره یازدهم انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۹۲) گفتمان اصولگرا نتوانست یک نظام معنایی تازه ای را شکل دهد و هیچ گونه تغییر چشمگیری در آن رخ نداد که در نهایت موجب تصلب و انسداد معنایی و ناکارآمدتر شدن مفاهیم، دال ها و شعارهای گفتمان اصولگرایی شد و بحران معنا و بحران هویت گفتمان اصولگرایی و به حاشیه رفتن آن، زمینه فروپاشی هژمونی گفتمان اصولگرا (دولت احمدی نژاد) را مهیا کرد و زمینه برای ظهور گفتمان اعتدال فراهم شد.

خرده «گفتمان اعتدال» با پشتیبانی گفتمان اصلاح طلب و در هم ارزی با این گفتمان کلان، با شاخص هایی چون تعامل سازنده، اعتمادسازی، تنش زدایی و آشتی با جهان و ثبات اقتصادی

در کشور به دنبال برجسته سازی دال های خود، یعنی اعتدال و عقلانیت بود. گفتمان اعتدال طی فرایند اقتناع سازی افکار عمومی، چنین القاء می کرد که مسائل حوزه روابط خارجی مانند تحریم ها، پرونده هسته ای، مذاکره با آمریکا و موارد دیگر در دولت تدبیر و امید حل خواهد شد.

یکی دیگر از عرصه هایی که گفتمان اعتدال درصدد بود تا آن را در این رقابت های انتخاباتی برجسته کند وضعیت بی ثباتی اقتصادی در گفتمان قبل (گفتمان رقیب) و سیاست های غلط اقتصادی بود که موجب نارضایتی از این گفتمان شده بود. در همین راستا گفتمان اعتدال با اسطوره سازی و بحرانی نشان دادن وضعیت اقتصادی مردم، سعی کرد با برجسته سازی دال های خود، پاسخ مقبولی به افکار عمومی بدهد بنابراین از مفهوم «نجات اقتصادی» که به نوعی ترسیم وضعیت بد گذشته و مفهوم «تحول اقتصادی در فرصت کوتاه مدت» تصویری آرمانی از آینده دولت تدبیر و امید را نشان می داد. «... هوا بس ناجوانمردانه سرد است و من می خواهم به شما جوانان عزیز بگویم، برنامه من نجات اقتصاد کشور است. اقتصاد ما امروز نیاز به نجات دارد...» (روحانی، ۱۳۹۲/۰۳/۱۸).

با توجه به مذاکرات برجامی و تعلیق های انجام گرفته توسط دولت روحانی (خرده گفتمان اعتدال)، گفتمان اصولگرایی در این دوره رقابتی، به مفصل بندی جدیدی دست می یابد که عناصر و دال های شناور جدید را مفصل بندی می کند یا دال های از قبل موجود را برجسته سازی می کند تا از این طریق مانع از افول گفتمانی و سقوط هژمونیک خود شود. البته در دوره دولت روحانی، برخلاف دوره احمدی نژاد (گفتمان اصولگرا)، کمتر شاهد استفاده از دال های شناور بوده، بلکه بیشتر شاهد برجسته سازی از دال های از قبل موجود هستیم. دال های کمتر برجسته شده اصولگرایان در این دوره عبارتند از نفی سلطه پذیری و حمایت از مسلمانان و مستضعفان در فلسطین و لبنان بود.

در محدوده انتخابات دوره دوازدهم نیز شاهد مفصل بندی جدید از دال های گفتمان اصولگرا هستیم که در دوره قبل در حوزه گفتمان گونگی رها شده بودند. این دال ها که در دوره اعتدال از حوزه گفتمان حاکم، بنا به شرایط زمانی خارج شده بودند، مجدداً توسط اصولگرایان مفصل بندی شده و برای تقابل با گفتمان حاکم، به ویژه حول دال مرکزی آن (مذاکره و سازش) گرد آمدند که عبارتند از: غرب ستیزی، استکبارزدایی، تجدیدنظرطلبی و شالوده شکنی نظام بین الملل و باز تعریف «انرژی هسته ای حق مسلم ماست».

رویکرد جدید اصولگرایان برخلاف سال های قبل و به دلیل عدم دستیابی گفتمان اصلاح طلب(و اعتدال) به انتظارات خود نسبت به نظام بین الملل به خصوص در مورد انرژی هسته ای به دنبال ارائه یک سیاست خارجی تند و نمایی از دال های ستیزه جویانه از گفتمان مذکور بود. در این دوره اصولگرایان با برجسته سازی و بازتعریف دال «انرژی هسته ای حق مسلم ماست» گفتمان غالب در سیاست داخلی و خارجی را به سوی یک مفصل بندی جدید سوق دادند. البته باید پذیرفت که در دوره احمدی نژاد و در اوج قدرت اصولگرایی، سیاست تنش زدایی دولت خاتمی، تبدیل به سیاست تهدیدزدایی شد. در زمان دولت اول روحانی نیز اصولگرایان معتقدند: «دولت جدید و گفتمان حاکم بر آن در این سال ها این است که نتیجه سیاست تنش زدایی، تعطیلی فعالیت های هسته ای و یا در واقع، واگذاری بخشی از حاکمیت ملی به بیگانگان است ولی نتیجه گفتمان تهدیدزدایی، پیشرفت و توسعه فعالیت های هسته ای و تثبیت حاکمیت ملی در همه عرصه هاست و این شاید مهم ترین دلیل در مفصل بندی جدید از گفتمان حاکم باشد»(قالیباف، ۱۳۹۶: ۳).

۳-۴. انتخابات دهم مجلس شورای اسلامی

از موارد مهم چالش برانگیز در رقابت گفتمانی در انتخابات دهم مجلس شورای اسلامی، چالش بر سر رد صلاحیت شدن اکثریت نامزدهای گفتمان اصلاح طلب است. که اصولگرایان در روزنامه کیهان در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۰۵ با تیتراژ «دروغ بزرگ! حذف اصلاح طلبان از میدان رقابت» این گونه ادعای رد صلاحیت گسترده اصلاح طلبان را برجسته سازی می کنند: «... مدعیان اصلاحات می دانند که انتخابات چه با حضور و چه بی حضور آنان به خوبی برگزار خواهد شد و شرکت نکردن اصلاح طلبان در انتخابات نتیجه ای عاید آنان نخواهد کرد. مدعیان اصلاحات با علم به این واقعیت سیاست یک تیر و دو نشان را پی گرفته اند؛ نخست آن که مدعی شده اند کسی از آنان در انتخابات تایید صلاحیت نشده و با این ادعا دست به مظلوم نمایی زده اند و دوم آن که در پشت پرده با نامزدهای متعددی که تایید شده اند، مذاکره می کنند تا لیست های خود را تکمیل کنند و خبرها حکایت از تکمیل این لیست ها در روزهای آتی دارد؛ مظلوم نمایی مدعیان اصلاحات به زعم آنان راه را برای پیروزی لیست های تهیه شده هموار خواهد ساخت و البته اگر شکست خوردند می توانند بگویند، نامزدی برای رقابت نداشته اند!»(کیهان ۵ بهمن ۱۳۹۴).

۴-۴. حقوق های نجومی

با انتشار حقوق ۲۳۴ میلیونی یک مدیر بانکی در شماره ۱۹ خرداد ماه ۱۳۹۵ روزنامه کیهان، موضوع فیش‌های نجومی مطرح شد. و چالش گفتمانی دیگر از این تاریخ آغاز شد. روزنامه اصولگرای کیهان با دنبال برجسته سازی این عنصر چالش برانگیز بود و اصلاح طلبان به دنبال در حاشیه قرارداد آن.

در گزارش کیهان بر این نکته تأکید شده بود که «پیش از این و در مورد انتشار فیش‌های مدیران بیمه، دولت یازدهم تمام توان خود را برای توجیه و سرپوش نهادن بر آن به کار گرفت و به جای عذرخواهی و اصلاح این رویه غلط، طلبکارانه با رسانه‌ها و مردم برخورد کرد. این بار روزنامه کیهان یکی دیگر از اسنادی که در مورد حقوق‌های نجومی مدیران دولت اول روحانی در اختیار دارد را منتشر می‌کند. در اسنادی که به دست کیهان رسیده، پرداختی برای حقوق مهرماه ۱۳۹۴ مدیر عامل یکی از بانک‌های کشور مبلغی بیش از «۱۵۱ میلیون تومان» است. این گزارش اشاره کرده بود که «اکثر مردم در حالی با مشکلات عدیده معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند که طبق اسناد کیهان، یک مدیر بانکی در مهر و اسفند سال گذشته به ترتیب بیش از ۱۵۱ و ۲۳۴ میلیون تومان دریافتی داشته است» (روزنامه کیهان، ۱۹ خرداد ۱۳۹۵).

در این رقابت گفتمانی «اسحاق جهانگیری» معاون اول رئیس جمهوری وقت، ضمن تأکید بر برخورد با حقوق‌های بالا، گفت: «این رویه به دولت محمود احمدی نژاد بر می‌گردد... در آن دوره در دولت به عنوان مهم‌ترین رکن تصمیم‌گیری این نظام نشستند دور خودشان و تصمیم گرفتند به خودشان نشان و سکه بدهند». او در توصیف ریاست جمهوری احمدی نژاد (نماینده گفتمان اصولگرا) گفت: «متأسفانه یک فساد سیستمی به جان نظام افتاده بود.» (ایسنا ۱۳۹۵/۰۴/۳).

اصولگرایان برجسته سازی حقوق‌های نجومی را به ناکارآمدی خرده گفتمان اعتدال‌گرا که نماینده گفتمان کلان اصلاح طلب است ربط دادند و نمونه‌های آن را می‌توان در رسانه‌های منسوب به این گفتمان دید:

- دولت موظف به ارسال پرونده حقوق‌بگیران نجومی به قوه قضاییه است / مردم از این وضعیت خسته شده‌اند (سراج ۲۴ سایت، ۱۳۹۵/۰۹/۰۹).

- چرا دولت با مدیران نجومی برخورد نمی‌کند (خبرگزاری تسنیم نیوز، ۱۳۹۵/۱۰/۱۲).

- هجمه‌ها علیه قوه قضائیه طراحی جریان سیاسی نزدیک به دولت است (خبرگزاری مشرق (۱۳۹۸/۰۹/۹)).

۴-۵. پلاسکو

آتش سوزی و فرو ریختن ساختمان پلاسکو در خیابان جمهوری تهران روز پنج شنبه ۳۰ دیماه ۱۳۹۵ رخ داد. در پی آن بیش از ۲۰۰ آتش نشان در قالب ۱۰ ایستگاه به محل اعزام شده و موفق به مهار و اطفای حریق در این ساختمان شدند. اما دقایقی بعد دوباره این ساختمان شعله ور شد و در حوالی ساعت ۱۱:۳۰ ساختمان به طور کامل فرو ریخت.

رسانه های اصولگرا در رقابت با گفتمان رقیب، از همان زمان اعلام حادثه آتش سوزی و فرو ریختن ساختمان تجاری پلاسکو، علاوه بر پوشش کامل و بازتاب گسترده اخبار مربوط به حضور نیروهای امدادی و آتش نشان و امیدواری برای دسترسی هرچه زودتر به پیکرهای افراد محبوس زیرآوار ساختمان پلاسکو را مورد بازتاب خبری قرار دادند. مهمترین کلید واژه های پرکاربرد در این رسانه ها را می توان لزوم جدیت در برخورد از سوی شهرداری تهران، فقدان مدیریت بحران، ضرورت توجه به ایمن سازی بافت های فرسوده در کلان شهرهای بزرگ و فقدان سواد رسانه ای نام برد.

این در حالی است که «مشرق» نماینده این گفتمان به مواردی که توسط گفتمان رقیب برجسته می شود با عنوان «چرایی سواستفاده سیاسی اصلاح طلبان از پلاسکو» در تاریخ (۱۸ بهمن ماه ۱۳۹۵) می نویسد: «...رسانه‌های جریان اصلاحات با سیاسی کردن فضای حادثه دلخراش پلاسکو سعی کردند ماهی‌گیری سیاسی خود را از این آب گل‌آلود با گلایه از شهرداری تهران انجام دهند. از همان ابتدا توپخانه خود را به سوی شهردار تهران نشانه رفتند و سعی کردند با سیاسی کردن ماجرا، وی را مورد شتمات و هجمه قرار دهند؛ سرخط ماجرا توسط آقای حسام‌الدین آشنا مشاور جنجالی رییس‌جمهور روحانی کلید خورد. او در همان لحظات اولیه بحران در ساختمان پلاسکو توثیقی منتشر کرد و در آن نوشت: «کارکرد اصلی حوادث واقعی جابه‌جا کردن اولویت‌بندی‌های ساختگی است. سیاست‌گذاری‌های شهری باید تابع ضرورت‌ها باشد نه منافع حامیان و آمران و مباشران!»

«افکار نیوز» نیز با برجسته سازی انتخابات پیش روی ریاست جمهوری سعی می کند حادثه پلاسکو را به بازی سیاسی اصلاح طلبان تعبیر کند: «... هم سویی اصلاح طلبان با رسانه های

معاند مسأله تازه ای نیست، هرگاه اتفاقی در کشور رخ می دهد برخی ها در کشور خط رسانه هایی همچون صدای آمریکا و بی بی سی را در داخل دنبال می کنند و می خواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند. اصلاح طلبان در حال فشار آوردن به قالیباف هستند اما نه به این دلیل که وی شهردار تهران است بلکه احتمال می دهند او رقیب روحانی در انتخابات باشد و از سوی دیگر به مسجد جامعی فشار آورده اند که از شورا استعفا ندهد تا با استیضاح قالیباف، برای تهران شهردار انتخاب کنند. حادثه تلخ پلاسکو نشان می دهد برخی اصلاح طلبان تنها به فکر سیاسی بازی هستند در حالی همه مردم نگران آتش نشان ها هستند، اصلاح طلبان به دنبال منافع خود می گردند» (افکار نیوز ۱۳۹۵/۱۱/۰۳).

۴-۶. آشتی ملی

آشتی ملی نام طرحی مطرح شده از محمد خاتمی (نماینده گفتمان اصلاح طلب) بود. او در ۱۹ بهمن ۱۳۹۵ طی سخنانی در دفتر کارش، ضمن اشاره به تهدیدهای دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا علیه ایران و همراهی حزب جمهوری خواه پیشنهاد این طرح را داده بود. خاتمی گفته بود اکنون «بهترین موقعیتی است که می توان فضای آشتی ملی را در کشور حکم فرما کرد.» به گفته وی «تهدیدهای خارجی» بهترین فرصت برای یک آشتی ملی را فراهم کرده است. حسن روحانی، رئیس جمهوری نیز در سخنرانی ۲۲ بهمن ماه گفته بود که «همه در پی اجماع، آشتی و انسجام ملی هستیم.» این سخنان مورد استقبال بسیاری از شخصیت های اصلاح طلب قرار گرفت. اما واکنش اصولگرایان چالش دیگری را بین این دو گفتمان ایجاد کرد. «محمد نبی حبیبی» دبیرکل حزب موتلفه در ۲۴ بهمن ماه گفت: «آنچه تحت عنوان آشتی ملی مطرح می شود این است که چهره یک «اغتشاش گر» و «محارب» را تبدیل به یک «مصلح طلبکار» کنند. این آب در هاون کوبیدن است.» (خبرگزاری آنا- ۱۳۹۵/۱۱/۲۴) و کیهان نیز مدعی است: «این احتمال نیز وجود دارد و احتمالی قوی نیز هست که طرح «آشتی ملی» را با هدف حاشیه سازی و سرگرم کردن مردم به میدان آورده اند تا از این طریق روی ناکامی های پی در پی و وعده های بر زمین مانده دولت که متأسفانه برخی از اصحاب اغتشاشگر در آن نقش موثری داشته اند، سرپوش بگذارند.» (کیهان ۱۳۹۵/۱۱/۲۳)

۴-۷. حادثه معدن زمستان یورت

معدن زغال سنگ یورت آزادشهر یکی از معادن زغال سنگ در شهرستان آزادشهر و در استان گلستان قرار دارد. طی انفجاری که روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ در معدن زغال

سنگ یورت رخ داد ۴۳ معدنچی جان باختند. ۱۵ آبان ماه ۱۳۹۶، رئیس کل دادگستری استان گلستان اعلام کرد براساس جمع بندی گزارش کمیته حقیقت یاب مقصر حادثه کارفرما بوده است.

حسن روحانی، رئیس جمهور روز ۱۷ اردیبهشت ماه به محل حادثه معدن «زمستان یورت» در آزادشهر رفت و در جمع معدن کاران و خانواده های آنان سخنرانی کرد و به شکایت های آنان گوش کرد. برخی خبرگزاری های اصولگرا همچون تسنیم و فارس به انتشار ویدئوها و تصاویری پرداختند که نشانگر ازدحام شدید جمعیت در اطراف خودروی حسن روحانی بود. در صفحه هایی از این ویدئوها دیده می شود که تعدادی از میان جمعیت با مشت به خودروی حامل رئیس جمهوری ایران می کوبند.

خبرگزاری تسنیم نوشت: «خانواده های داغدار معدن یورت آزادشهر و معدنچیان به جای سخنرانی زیبا و دادن وعده انتظار داشتند رئیس جمهور حرفهایش را بشنود و با استقبال سرد خود سبب شدند روحانی به سرعت محل را ترک کند.» (ایسنا، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷)

روزنامه اعتماد، سفر روحانی به محل معدن آزادشهر را به عنوان برگه برنده برای مخالفان دولت می داند. «مردم تصاویر و فیلم ها را دیدند و از شکست فاصله میان مردم و دولت که با یک اعتراض خاموش امن همراه بوده است خوشحال شدند.»

به گزارش همین روزنامه، عباس عبدی تحلیلگر سیاسی اصلاح طلب پیشنهاد می دهد که این روز در تاریخ سیاست ایران ثبت شود، زیرا در این روز سیاست از مفهوم سنتی و اقتدارگرایانه اش عبور کرده و وارد عرصه مدرن و دموکراتیک می شود. عبدی رفتار روحانی در برابر اعتراض معدن کاران را «نشان دهنده اعتماد به نفس و اعتماد داشتن به مردم» دانسته و معتقد است که حرکت دیروز او باعث شد که فضا به نفع روحانی تغییر کند. این تحلیلگر سیاسی گفته است: «رفتن آقای روحانی به گلستان و حتی برخوردهایی که با او شد اگرچه این برخوردها و حملات هم از سوی یک گروه و جناح خاص طراحی شده بود، ولی این موجب افزایش اقتدارش خواهد شد، آنچنان که در عذرخواهی از قضیه راه آهن و فیش های حقوقی سبب افزایش اقتدارش شد». بنابراین قائلان گفتمان درصدد تثبیت دقایق گفتمانی خود در درون ساختار ذهنی و عملیاتی نظام هستند.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با این پرسش آغاز شد که طرح چه عناصری از سوی گفتمان اصولگرا در ۹۶-۱۳۹۲ در آستانه انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری موجب شدت در چالشهای گفتمانی با گفتمان رقیب (اصلاح طلبی) شده است؟ و با مفروض؛ طرح عناصری از حوزه های مختلف سیاسی از سوی گفتمان اصولگرایی در رقابت با گفتمان اصلاح طلبی (گفتمان هژمون)، چالش های دو گفتمان را شدت بخشید. به منظور آزمون فرضیه، پس از تبیین و تشریح نظریه گفتمان لاکلا و موفه و ضمن توضیح دو گفتمان مطرح در عرصه سیاست ایران، چالش های موجود بین دو گفتمان از سال ۹۶-۱۳۹۲ بیان شد.

یکی از دلایل انتخاب روش گفتمان لاکلا و موفه این بود که روش های گفتمانی از فوکو تا فرکلاف واجد نوعی نسبییت اندیشی هستند که برای بررسی فضاهای اسلامی مناسب نیست، اما روش لاکلا و موفه با داشتن مفاهیمی نظیر انسداد معنایی و وقته ها، تا حدودی از نسبی گرایی فاصله گرفته است. دلیل دیگر جامعیت روش لاکلا و موفه و همچنین تعمیم بررسی پدیده های اجتماعی به حوزه سیاست می باشد. از سویی دیگر از منظر تحلیل گفتمان این نکته واجد اهمیت است که استراتژی و اساسی گفتمان رقیب و دگرگون کردن مفهوم دال ها با یافتن عناصری جهت حاشیه رانی و برجسته سازی و تزیین سیرت و صورت گفتمان ها بر پایه علایق-سلیاق خواسته و نیاز جامعه، قابلیت گفتمان ها در هژمونیک شدن را تقویت خواهد کرد.

نتیجه تحقیق نشان داد گفتمان اصولگرا در تدوین گفتمانی در رقابت با «دیگری»، طبق دقایق گفتمانی خود در حوزه های سیاسی با استفاده از استراتژی برجسته سازی و حاشیه رانی سعی در و اساسی و ساختارشکنی رقیب داشت و نهایتاً در فاصله زمانی سال های ۹۲ الی ۹۶ گفتمان اصلاح طلب به هژمونی رسید چرا که طبق رویکرد لاکلا و موفه در این برهه تاریخی رقیب فاقد دو معیار منزلت بخشیدن گفتمان ها یعنی «در دسترس بودن و قابلیت اعتبار» بود؛ در صورتی که گفتمان برتر دقایق خود را حفظ و مفصل بندی اش را مستحکم کند، موقتی، زودگذر و ناپایدار نخواهد شد. و به نظر می رسد عنصر «کارآمدی» همچون شایسته سالاری، کارآمدی مدیران، نظارت مردمی، گردش نخبه گان، شیوه دموکراتیک انتخاب مسؤولان، پاسخگویی به مطالبات مردم (رای دهندگان)، بسته نبودن مدار جذب نیروهای جدید داوطلب نقطه تعیین کننده این گونه گفتمان ها باشد که هم می تواند باعث باز تولید این گفتمان ها شود و هم می تواند مهرختمی بر هژمونی آن ها باشد.

با نگاهی به چالش های مطرح بین دو گفتمان این امر به ذهن متبادر می شود که این دو، کمتر اندیشه گفتگو با یکدیگر را در سر می پروراندند. که باید توجه داشت آنچه که حائز اهمیت است پیشبرد اهداف ملی کشور می باشد.

از سویی بهتر است بدانیم رقابت میان گفتمان ها و جریان های اجتماعی، امری ضروری برای باقی ماندن در شرایط امروز جهان است. پویایی اجتماعی بدون چنین رقابتی ممکن نیست لذا تعامل مناسب میان گفتمان های رقیب، لازمه حفظ یک جامعه است و این تعامل تنها هنگامی امکان پذیر است که متون تولید شده و تصویر ساخته شده از دیگری، مانع این تعامل نشود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹)، نقد و ارزیابی گفتمان های اجتماعی - سیاسی در جمهوری اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

استوکر، جری و دیوید مارش (۱۳۷۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه محمد حاجی یوسفی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

پورسعید، فرزاد (۱۳۸۳)، «فرایند مشروعیت یابی در نظام جمهوری اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم، زمستان، صص ۷۴۵-۷۲۰.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، «متن، وانموده و تحلیل گفتمان»، فصلنامه گفتمان، شماره دوم، صص ۱۵-۷.

حاضری، علی محمد؛ ایران نژاد، ابراهیم و مهرآیین، مصطفی (۱۳۹۰)، «گفتمان اصلاح طلبی اسلامی در ایران پس از انقلاب»، دانش نامه علوم اجتماعی، شماره ۱: دوره ۳، صص ۱۵۲-۱۰۹.

حسینی زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم: دانشگاه مفید.

حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۵)، روش شناسی علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید.

خلجی، عباس (۱۳۸۶)، ناسازه های نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح طلبی (۸۴-۱۳۷۶)، پایان نامه دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران.

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶)، «گفتمان اصولگرایی عدالت محور در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد»، **دو فصلنامه دانش سیاسی**، شماره ۵، صص ۶۷-۹۸.
- رضایی، حسن و نظری، بهزاد (۱۳۹۴)، «مشارکت سیاسی در گفتمان های اصولگرایی و اصلاح طلبی»، **فصلنامه مطالعات افکار عمومی**، شماره ۱۳، سال چهارم، بهار، صص ۲۱۴-۱۹۱.
- روزنامه کیهان (۱۳۹۴)، تیتراژ «دروغ بزرگ! حذف اصلاح طلبان از میدان رقابت»، **روزنامه کیهان**، پنجم بهمن ماه.
- سعید، بابی (۱۳۷۹)، **هراس بنیادین: اروپا مداری و ظهور اسلام گرایی**، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، تهران: دانشگاه تهران.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۹۷)، **قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشرنی.
- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۲۸: سال هفتم، زمستان، صص ۱۸۳-۱۵۳.
- عصر ایران (۱۳۹۲)، **سازمان محیط زیست متولی اصلی کاهش آلودگی هوا نیست**، سوم آبان ماه.
- کسرابی، محمد سالار و پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸)، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی»، **فصلنامه سیاست**، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، شماره ۳، دوره ۳۹، پاییز، صص ۳۶۰-۳۳۹.
- کلانتری، صمد؛ عباس زاده، محمد؛ سعادت، موسی؛ پورمحمد، رعنا و محمدپور، نیر (۱۳۸۸)، «تحلیل گفتمان: با تاکید برگفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی»، **مجله مطالعات جامعه شناسی**، شماره ۴، پاییز، صص ۲۸-۷.
- مقدمی، محمد تقی (۱۳۹۰)، «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن»، **فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی**، سال دوم، شماره دوم، بهار، صص ۱۲۴-۹۱.
- هنری، یدالله و آزرمی، علی (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل فرایند استقرار و انسجام یابی گفتمان انقلاب اسلامی براساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه»، **فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، شماره ۸، سال دوم، صص ۱۱۸-۹۵.

ب) منابع انگلیسی

De Vos, Patrick (2003), **Discourse Theory and the Study of Ideological (Trance) - Formation: analyzing Social Democratic Revisionism, in journal of pragmatics**, published online: 01 March 2003.

- Fairclough, N. (2003), **Analysing Discourse: Textual Analysis for Social Research**, New York: Routledge.
- Jorgensen M. & Philips (2002), **Discourse Analysis as Theory and Method**, London: Sage Publications.
- Laclau, Ernesto & Mouffe, Chantal (1985) **Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics**, Publisher: Verso Books.